

نگاه هفته

بانک آمریکایی پیش‌بینی کرد پایان نفت ارزان



سعیده شفیعی، پژوهشگر اقتصادی

● در ابتدای هفته گذشته انتشار خبری مبنی بر کاهش تولید نفت چین به پایین‌ترین حد در سه سال اخیر قیمت‌های نفت را با افزایش مواجه کرد. در اواسط هفته (سه‌شنبه) قیمت‌ها به دلیل وقوع آتش‌سوزی در مناطق نفت‌خیز کانادا و توقف تولید نفت این کشور افزایش یافت و به بیش از ۴۸ دلار در هر بشکه رسید تا رکوردشکنی قیمت در هفت ماه گذشته به ثبت برسد. دلیل دیگر این افزایش انتشار گزارش بانک گلدمن‌ساکس از کاهش عرضه در ماه جاری میلادی به دلیل مشکلات در نیجریه و کانادا عنوان می‌شود. در پایان هفته به دلیل پیش‌بینی افزایش نرخ بهره از سوی بانک مرکزی آمریکا قیمت‌ها با اندکی کاهش مواجه شدند.

۳ شاخص اصلی قیمت‌های نفت

قیمت نفت «برنت دریای‌شمال» (Brent) در آغازین ساعات روز جمعه، بیستم ماه می، با حدود ۷۰ سنت افزایش نسبت به پایان هفته قبل به ۴۸دلارو ۸۱ سنت رسید. شاخص نفت وست‌تگزاس اینترمدیت» (WTI) در همین روز ۴۸دلارو ۱۶ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، حدود دو دلار رشد نشان می‌دهد.

همچنین بنا به گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سید نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) - که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است- در پایان روز پنجشنبه، نوزدهم می، در سطح ۴۳دلارو ۸۴ سنت تثبیت شد که حدود دودلارو ۴۴ سنت نسبت به روز مشابه در هفته قبل بالاتر است.

پایان دوران نفت ارزان

بانک آمریکایی گلدمن‌ساکس در گزارشی اعلام کرد بازار نفت در سال جاری میلادی متوازن خواهد شد و سطح قیمت‌ها به حدود ۵۰ دلار افزایش خواهد یافت. براساس این گزارش، بار اثر مشکلات در خطوط گاز و اعتصاب کارگری در نیجریه و آتش‌سوزی جنگل‌ها در کانادا، تولید جهانی نفت در دو هفته گذشته دو میلیون بشکه در روز کاهش یافته است؛ به‌همین‌دلیل، پس از گذشت دو سال از شرایط مازاد عرضه، بازار نفت در ماه جاری میلادی با کمبود عرضه مواجه می‌شود. این بانک معتبر سرمایه‌گذاری، افزایش تقاضای چین و هند را یکی دیگر از دلایل افزایش قیمت‌ها در ماه‌های آینده عنوان کرد.

تخفیف ۱۲دلاری نفت ونزوئلا

بنا به گزارش بلومبرگ، ونزوئلا در اقدامی خلاف روند بازار، نفت صادراتی خود به پالایشگاه‌های آمریکا را ۱۲ دلار تخفیف نسبت به شاخص وست‌تگزاس اینترمدیت عرضه کرد که بیشترین میزان در هفت سال گذشته است. این کشور سومین تأمین‌کننده نفت پالایشگاه‌های آمریکاست و به نظر می‌رسد این اقدام برای کسب سهم بیشتر از بازار آمریکا در رقابت با سایر تأمین‌کنندگان نفت این کشور (کانادا و کشورهای صادرکننده منطقه خاورمیانه) انجام شده است.

کاهش تولید و افزایش تقاضای نفت چین

بنا به گزارش خبرگزاری رویترز، تولید نفت چین در ماه آوریل سال جاری میلادی به ۱۶میلیون و ۵۹۰ هزار تن رسید که ۵٫۶ درصد نسبت به ماه قبل از آن کمتر است. این رقم پایین‌ترین میزان تولید نفت این کشور در سه سال اخیر (از ماه جولای سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون) است. چین چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت جهان است و تولید نفت این کشور از ابتدای سال جاری میلادی روندی کاهشی را نشان می‌دهد.

همچنین بنا به گزارشی دیگر از این خبرگزاری، چین در ماه آوریل سال جاری به‌طور متوسط ۱۰میلیون و ۶۲۰ هزار بشکه در روز نفت مصرف کرده است که در مقایسه با ماه مشابه سال گذشته ۱٫۷ درصد رشد نشان می‌دهد. دلیل عمده افزایش تقاضای نفت در چین، پرتگ‌ترشدن نقش شرکت‌های خصوصی این کشور در حوزه پالایش فراورده‌های نفتی است.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسپات هنری‌هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به بیستم می، در سطح یک‌دلارو ۹۱ سنت به‌ازای هرمیلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شد.

در چند هفته گذشته تولید گاز آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان، با کاهش روبه‌رو شده است و ازاین‌رو قیمت گاز رشد داشته است. کارشناسان معتقدند نگرانی‌ها درباره توانایی آمریکا در حفظ سطح کنونی تولید گاز طبیعی با وجود قیمت نسبتاً پایین گاز در بازار باعث شده است که از افت بیشتر قیمت گاز جلوگیری شود.

شرق: ۱۵ سال پیش حسین عظیمی، اقتصاددان پیش‌بینی کرده بود اقتصاد ایران دچار مرگ مغزی می‌شود. او علانمی دریافت‌کرده بود که گویا سنسورهای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ما قادر نیست در برابر تغییرات واکنش نشان دهد. این ماجرا سر دراز دارد و هر سال هم نسبت به سال‌های گذشته وضعیت بدتر شده است. درحالی‌که پس از جنگ تحمیلی (شوک برون‌زا) به سبب وجود ساختار نهادهی تولیدمحور، در دو سال اول بعد از پذیرش قطع‌نامه، رشد‌های دورقمی را برای اقتصاد شاهد بودیم، اما اکنون وقتی شوک مربوط به سیاست‌های تنش‌آفرین دولت قبلی مهار شد، ما به‌هیچ‌وجه نتوانسیم از دور باطل رشد اندک و به‌شدت نوسانی عبور کنیم و حتی در دوره پساتوافق رشد منفی را تجربه کردیم. فرشاد مؤمنی در جمع‌بندی میزگرد «اقتصاد مقاومتی: الزامات و چالش‌ها» که در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، با بیان این مسئله نتیجه‌گیری کرد با رویکردهای جزئی‌نگری و وصله‌پینه‌کردن نمی‌توان وضعیت اقتصاد ایران را بهبود بخشید. حال آنکه حسین راغفر، اقتصاددان و دیگر سخنران این میزگرد نیز با نگاهی به عادلانه‌کردن سهم تولید در اقتصاد ایران به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، می‌گوید: «اقتصاد ایران دچار کژکاری‌های اساسی ساختاری است و این کاستی‌های ساختاری با تغییر پارامترها و متغیرهای موجود اقتصاد امکان اصلاح ندارد. با اقدامات سطحی نمی‌توان ساختار اقتصاد ایران را که نزدیک به ۵۵ سال گذشته

چیزی حدود ۷۰ درصد در بخش خدمات، ۲۵ درصد در صنعت و حدود پنج درصد در بخش کشاورزی متمرکز بوده، اصلاح کرده، به گفته او، در بین سال‌های ۱۳۶۸ تا پایان سال ۱۳۹۱، تورم مسکن فقط ۱۳هزارو ۷۰۰درصد (دوبرابر بخش صنعت) بوده و سهم سود در فعالیت‌های خدماتی (خدمات مالی و پولی مثل خرید و فروش پول و ارز و سکه در این دوره) هم، ۲۰ هزار درصد بوده و ۳،۵ برابر صنعت سودآوری داشته است. پریسا مهاجری، عضو هیأت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی، از دیگر سخنرانان این میزگرد، هم یادآور می‌شود روند بررسی‌ها نشان می‌دهد، اقتصاد ایران فقط در سال جاری با ۳۰۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی روبه‌رو خواهد بود.

مسئولیت اقتصاد مقاومتی فقط بر گردن قوه مجریه نیست

فرشاد مؤمنی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه‌طباطبائی



درحال‌حاضر اقتصاد ایران دقیقاً در نقطه‌مقابل بایسته‌های یک اقتصاد با توان مقاومت قابل‌قبول است. دکتر عظیمی حدود ۱۵ سال پیش، مرگ مغزی را به‌عنوان استعاره درباره

اقتصاد ایران مطرح کرده بود. او در آن سال‌ها علانمی را دریافت کرده بود که گویی سنسورهای سیاست‌های

اقتصاد

پیش‌بینی «حسین عظیمی» بعد از ۱۵سال به حقیقت پیوست

مرگ مغزی اقتصاد ایران

اقتصادی و اجتماعی ما قادر نیست در برابر تغییرات واکنش نشان دهد. این ازکارافتادگی متأسفانه به‌ویژه در ۱۰سال گذشته به طرز غیرمتعارفی افزایش یافته است. ما بی‌شمار شواهد در این زمینه می‌توانیم ارائه کنیم که به یک نمونه آن اشاره می‌کنم. در دوره جنگ به اعتبار اینکه ساختار نهادهی درمجموع یک ساختار نهادهی تولیدمحور بود، به محض اینکه شوک برون‌زا (جنگ تحمیلی) متوقف شد، در دو سال اول بعد از پذیرش قطع‌نامه رشد‌های دورقمی را برای اقتصاد شاهد بودیم. اما اکنون وقتی شوک مربوط به سیاست‌های تنش‌آفرین دولت قبلی مهار شد، ما به‌هیچ‌وجه نتوانسیم از دور باطل رشد اندک و به‌شدت نوسانی عبور کنیم و حتی در دوره پساتوافق رشد منفی را تجربه کردیم. این رخدادها نتیجه‌ای را به دست می‌دهد که با رویکردهای جزئی‌نگری و وصله‌پینه‌کردن نمی‌توان وضعیت این اقتصاد را بهبود بخشید. ما به یک بازاریابی سیستمی در ساختار نهادهی نیازمند هستیم. در مسیر این عبور از ازکارافتادگی و رقتن به‌سوی اقتصاد با توان مقاومت بالا، در درجه اول نیازمند شفاف‌سازی و غنی‌سازی مفهوم اقتصاد مقاومتی هستیم. واقعیت این است که مفهوم مقاومتی در معنای جهانی آن، فقط در یک جنبه، مقاومت در برابر تهدیدها و سازوکارهای مهارکننده را به ذهن می‌آورد اما بزرگ‌ترین لطمه‌هایی که در نیم‌قرن اخیر متحمل شدیم مربوط به فرصت‌هایی می‌شود که به‌واسطه نداشتن قدرت انعطاف برای واکنش مساعد نشان‌دادن

به فرصت‌ها، به تهدید تبدیل شده است. از سویی باید به یاد داشته باشیم که اقتصاد مقاومتی دای همه دردها نیست. این ایده فقط معطوف به ابزارها و سازوکارهایی است که قابلیت ما را برای مهار تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها در زمینه شوک‌های برون‌زا ارتقا می‌دهد. در این زمینه هم نیازمند شفاف‌سازی هستیم. در کشورهای پیشرفته صنعتی از کل شوک‌های برون‌زا فقط سه شوک را در مرکز برنامه‌های قرار داده‌اند. ما در این زمینه هم بلا تکلیف هستیم. در تصمیم‌گیری حتی تا این حد نیز شفافیت و جسارت مواجه‌شدن با واقعیت وجود ندارد. اگر این شفافیت را نداشته باشیم مانند برنامه‌ای که بی‌شمار هدف دارد، این کار هم بی‌فراجم خواهد بود. واقعیت این است که آسیب‌پذیری ما در برابر سه شوک برون‌زای کشورهای صنعتی اگر بیش از آنها نباشد، کمتر از آنها هم نیست. این در حالی است که ما با بی‌شمار شوک‌های درون‌زا و برون‌زای دیگر هم روبه‌رو هستیم. بنابراین اگر در سطح اندیشه‌ای تکلیف خود را مشخص نکنیم امکان اینکه بتوانیم یک برنامه اصولی در این زمینه طراحی کنیم به حداقل می‌رسد. در زمینه حرکت به سمت آن برنامه هم دو نکته حائزاهمیت است. نکته اول اینکه: این مسئله فقط معطوف به حیطه اقتصادی نیست. نکته دوم نیز این است که متأسفانه به قاعده مالوف فرهنگ ما، چیزهای خوب را می‌خواهیم اما آمادگی تمهید ابتدایی‌ترین لوازم و مقدمات آن را فراهم نمی‌کنیم.

ادامه در صفحه ۱۵

معاون اول مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول برای پیوستن ایران به نظام بانکداری بین‌المللی شرط گذاشت

نسخه اقتصادی فرستاده «لاگارد» برای روحانی

تحت شرایطی سخت، پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند. نرخ تورم (نقطه به نقطه) از ۴۵ درصد در سال ۲۰۱۳ میلادی (۱۳۹۲ شمسی) به حدود هشت درصد رسیده است، بازار ارز به ثبات رسیده و برخی اصلاحات کلیدی انجام شده است. اجرای برجام، نویدبخش چشم‌انداز مطلوبی است. صادرات بیشتر نفت، اتصال مجدد بانک‌های ایران به سیستم مالی بین‌المللی که منجر به کاهش هزینه‌های تجاری و مبادلات مالی می‌شود، می‌تواند به اقتصاد ایران برای دستیابی به رشد واقعی اقتصادی میان‌مدت که ۴ تا ۴،۵ درصد برنامه‌ریزی شده، کمک کند. تداوم و افزایش این نرخ رشد به اصلاحات مهمی نیاز دارد. چارچوب سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی برای تحکیم ثبات اقتصادی باید از طریق تمرکز بیشتر بر ثبات قیمت‌ها، افزایش و تحرک درآمد‌های داخلی و درپیش‌گرفتن تمهیداتی در بخش ساخت‌وساز برای کاهش شوک‌های وارده از این بخش، تقویت شود. همچنین عملیاتی‌کردن ظرفیت‌های اقتصاد ایران برای رشد و ارتقای سطح اشتغال، به‌ویژه برای جوانان و زنان، نیازمند رفع چالش‌های ساختاری زیادی است. محور همه این تلاش‌ها، ارتقای بخش خصوصی است که با حمایت از مالکیت خصوصی، جذب سرمایه‌های خارجی، کاهش هزینه‌های کسب‌وکار و افزایش شفافیت و حاکمیت شرکی قابل حصول است. دو اولویت مهم کوتاه‌مدت برای سیستم بانکی مطرح است. اول، تغییر ساختار بانک‌ها در حوزه‌های عملیاتی و تعیین تکلیف سطوح بالای مطالبات معوق، که به کاهش نرخ بهره واقعی و به‌جریان‌انداختن اعتبارات در اقتصاد کمک می‌کند. دوم، با توجه به مشکلات اتصال مجدد بانک‌های ایران به سیستم مالی بین‌المللی، مسئولان باید به تقویت ساختار مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی ترورسم ادامه دهند. این امر تسهیل اتصال مجدد بانک‌های ایران به سیستم مالی بین‌المللی بسیار حیاتی است.

اصلاح چالش‌های ساختاری ایران آسان نیست و برخی از منافع آن را فقط در بلندمدت می‌توان مشاهده کرد؛ اما ایران در جهت تثبیت سیاست‌های آینده‌نگر و اصلاح چالش‌های ساختاری، گام‌های بلند و مهمی برداشته است. این تلاش‌ها باید ادامه پیدا کند و ما مسئولان را تشویق می‌کنیم تا بازودی یک دستورکار جامع برای اصلاحات تهیه کنند.



یکی از دلایل بحران‌های مالی آسیا را تزریق نقدینگی در اقتصاد و ایجاد مطالبات معوق برای شرکت‌ها دانست و تصریح کرد: اگر بخواهیم از طریق تزریق نقدینگی، مشکلات بدهی بانکی را که وصول‌شدنی نیستند، حل کنیم باید بدانیم این راه‌حل، یک راه‌حل کوتاه‌مدت است و در بلندمدت چیزی را حاصل نمی‌کند. در واقع شرکت‌ها و مؤسساتی که به بانک‌ها وابسته هستند، تسهیلات دریافت می‌کنند، این تسهیلات دوباره به مطالبات معوق تبدیل می‌شود و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. همچنین بانک‌ها به دولت متکی می‌شوند و در زمان بحران، منتظر کمک دولت هستند. لیتون بیانیه‌ای را به این شرح درباره نتایج سفر به ایران منتشر کرده است: «من از مسئولان ایران برای فراهم‌آوردن فرصت اولین سفرم به ایران بسیار تشکر می‌کنم. من مذاکرات وسیع و پرباری با بسیاری از سیاست‌گذاران و نمایندگان بخش‌های مختلف اقتصاد داشتم. سفر من در زمان بسیار حساسی برای اقتصاد ایران اتفاق افتاد. زمانی که پس از اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، اقتصاد این کشور روند بازپیوستن به اقتصاد جهانی را آغاز کرده است. با چشم‌انداز مناسب اقتصادی به آینده، فرصتی استثنایی برای شروع اصلاحات در مسیر دستیابی به ثبات اقتصادی و رشد پایدار و فراگیر ایجاد شده است. در سال‌های اخیر، مسئولان ایران در برقراری ثبات اقتصادی

ریبعی با اشاره به توافق جدید اعزام نیروی کار متخصص و با کیفیت

خبرداد

سنگاپور رؤیای جدید کار جویان

کشف حوزه‌های همکاری با این کشور جنوب‌شرق آسیا شد تا زمینه لازم برای توسعه اقتصادی و تجاری میان دو کشور بیش از پیش فراهم شود. ریبعی با اشاره به رشد سریع ایران در دوران جدید گفت که بازار بالقوه ۳۰۰میلیون نفری منطقه فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی زیادی را برای صاحبان کسب‌وکار در نقاط مختلف جهان ارائه می‌کند. ایران دارای دومین اقتصاد بزرگ در منطقه با تولید ناخالص داخلی ۴۵۰میلیارددلار است. وی با تأکید بر اینکه ایران در مناسبات بین‌المللی از موقعیت روبه‌رشدی برخوردار بوده و به‌عنوان کشوری ثبات‌بخش در منطقه شناخته می‌شود، گفت که به دلیل تلاش‌های تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران و توافقات هسته‌ای بین‌المللی و بر مبنای بررسی‌های انجام‌شده مؤسسات تحقیقاتی، ایران طی سال‌های ۲۰۱۶ میلادی تا ۲۰۲۰ در میان کشورهای منطقه خاورمیانه بالاترین میزان رشد را تجربه خواهد کرد. «لیم سونی سایی»، وزیر منابع انسانی سنگاپور، نیز در این دیدار با اشاره به اینکه این دولت - شهر جنوب‌شرق آسیا منابع معدنی ارزشمند و تنها از منابع انسانی سود می‌برد، گفت برای اینکه مردم از شغل خوبی بهره‌مند شوند، آموزش و مهارت در اولویت برنامه‌های دولت است. همچنین «تارمن-شانموگراتام»، معاون نخست‌وزیر سنگاپور، در دیدار با وزیر کار ایران گفت: بانک مرکزی سنگاپور بخش‌نامه آغاز همکاری‌های بانکی با ایران را صادر کرد.

اقتصاد سبز

قدرت‌نمایی کشاورزان خرده‌پا با سازماندهی



فاطمه باسبان، کارشناس کشاورزی

● حمایت از کشاورزان خرده‌پا که تولید را مدیریت و به سرانجام می‌رسانند، در راستای امنیت غذایی و حفاظت و صیانت از منابع طبیعی و منابع آب و خاک و محیط‌زیست، در کشورهای مختلف جهان به روش‌های مختلف توسط دولت انجام می‌شود. در این میان یکی از روش‌های حمایتی، سازماندهی و ظرفیت‌سازی و نهادسازی به منظور غلبه بر چالش‌های مربوط به تولید، بازار و فروش کشاورزان خرده‌پاست. در بسیاری از کشورهای جهان به دلیل هزینه بالای معاملاتی و فروش، کشاورزان خرده‌پا در قالب سازمان‌های تولیدکننده انسجام می‌بخشیده‌اند. سازمان‌های تولیدکننده انواع و اشکال مختلفی از جمله تعاونی‌ها، انجمن‌ها و شرکت‌ها و گروه‌ها دارند. این سازمان‌ها به کشاورزان خرده‌پا در دسترسی به بازار و ارائه خدمات عمومی کمک می‌کنند. یکی از سازمان‌های تولیدکننده شناخته‌شده در آسیا، تعاونی لبنی هند است. آمار نشان می‌دهد این تعاونی در سال ۲۰۰۵ به صورت شبکه‌ای سدهزار روستا را تحت پوشش داشته و در حدود ۱۲،۳ میلیون نفر عضو دارد که در حدود ۲۲ درصد شیر کشور را تأمین می‌کنند (انجمن توسعه لبنیات ملی، ۲۰۰۶). ۶۰درصد از اعضای این تعاونی که در روستاها ساکن هستند و خرده‌مالکان یا افراد بی‌زمین و زنان ۲۵درصد از اعضا را تشکیل می‌دهند. اطلاعات و آمار نشان می‌دهد که چگونه کشاورزان کوچک‌مقیاس با یک سازماندهی مناسب به تشکلی قوی در تولید و فروش تبدیل شده‌اند و دولت‌ها نه در جهت تضعیف بلکه تقویت آنها سیاست‌گذاری کرده و با مشارکت و تعامل و گفت‌وگو با آنان، سیاست‌های مناسب را اتخاذ و اعمال کردند. تجربه کشور هندوستان نشان می‌دهد که تلاش‌های اولیه برای سازماندهی تولید و فروش شیر و لبنیات بلافاصله پس از تصویب قانون تعاونی در سال ۱۹۱۲ شکل گرفت. این تلاش‌ها توسط دامداران در مناطق مختلف هندوستان برای تشکیل تعاونی لبنی به منظور جمع‌آوری شیر از دامداران و فرآوری آن شکل گرفت. در این میان دولت هند قدم‌هایی برای بهبود و اصلاح نژاد دام و بهره‌وری آنها در قالب طرح‌های روستایی در قالب اولین طرح پنج‌ساله (۵۶-۱۹۵۱) و پس از آن سومین طرح پنج‌ساله (۶۶-۱۹۶۱) به اجرا گذاشت. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۶ برنامه «توسعه لبنیات ملی» نقش اساس و کلیدی در توسعه بخش دامی و لبنی هند ایفا کرد. این برنامه از طریق ایجاد تعاونی‌های فرآوری شیر در روستاها و فراهم‌سازی و انتقال فناوری‌های مدرن به تولید در مناطق روستایی شکل گرفت. هدف این برنامه افزایش تولید شیر، تقویت درآمد روستایی و انتقال سود شیر به تولیدکنندگان از طریق بازاریابی شیر بود که قبلاً توسط واسطه‌ها این اتفاق صورت نمی‌گرفت. نتایج تلاش دامداران و مردم و دولت نشان از توسعه تولید شیر و فرآوری آن است به‌طوری‌که طی دوره ۱۹۵۰-۱۹۵۱ تا ۲۰۱۴-۲۰۱۵، تولید شیر هند از ۱۷ میلیون تن به ۱۶،۳ میلیون تن افزایش یافته و در حدود ۸،۶ برابر شده است. در کنار آن مصرف سرانه شیر هم از ۵۱-۱۳۲ گرم در روز طی دوره ۵۱-۸۵ به ۱۹۵-۲۰۱ گرم در روز در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۴ رسیده که در مقایسه با میانگین جهانی که ۲۹۳،۷ گرم در روز در سال ۲۰۱۳ بیشتر شده است، این نشان‌دهنده آن است که دسترسی به شیر و محصولات لبنی به صورت پایدار برای جمعیت رو به رشد هندوستان مهیا و تغذیه و امنیت غذایی مردم تأمین شده و به عبارتی تولید و مصرف هم‌زمان با هم رشد یافته‌اند. علاوه بر این اتفاق مهم از نظر سلامتی مردم و افزایش توانایی جسمی و ذهنی مردم، تولید و فروش لبنیات دومین منبع درآمدی میلیون‌ها نفر از خانوارهای روستایی در هند بوده و مهم‌ترین بخش در ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی برای کشاورزان حاشیه‌ای، کارگران بی‌زمین و زنان است. درحال‌حاضر تا مارس ۲۰۱۵ در حدود ۱۵،۴۶ میلیون کشاورز در ۱۶۵هزارو ۸۳۵ روستا در تعاونی‌های لبنی عضو هستند و حدود ۹۶هزار تعاونی لبنی در هند در سطح محلی، ایالتی وجود دارد. کارناتاکا یکی از بزرگ‌ترین فدراسیون‌های تعاونی لبنیات در جنوب هند است. مالکیت آن مربوط به دولت محلی است. کارناتاکا پنج میلیون لیتر شیر در سال تولید دارد که در حدود سه میلیون لیتر مازاد مصرف ایالت است. مازاد شیر به صورت شیرخشک (پودر شیر بدون چربی و پودر شیر) تبدیل می‌شود و آن را یک شرکت خصوصی توسط دولت تعاونی لبنیات در جنوب هند به فروش می‌رساند. این فدراسیون یک فرایند مناسه به فروش می‌رساند. این کیلوگرم پودر شیر را دارد. قیمت فروش پودر شیر ۱۰ برابر قیمت شیر تازه است. بخشی از تولید پودر شیر توسط دولت برای کودکان مدرسه‌ای به صورت یارانه‌ای مصرف می‌شود و باقی‌مانده به کشورهای دیگر و با اندک‌ترین کسر فروخته می‌شود و منبع اصلی درآمد برای دولت است. در کنار این اقدامات، دولت هندوستان درصدد است تا بخش شیر و لبنیات را تقویت و قوی کند. برای همین منظور «برنامه ملی پرورش گاو و توسعه لبنیات» را تدوین و فاز اول آن را شروع کرده است. در کنار آن «طرح توسعه کارآفرینی لبنی» نیز برنامه‌ریزی شده است.